چهاردهم آبان ماه سال جاری، رئیس سازمان پزشکی قانونی گزارشی را در مورد سقط‌جنین غیرقانونی تهیه کرده و برای دادستان کل کشور ارسال می‌کند. مسجدی در مقدمه عنوان می‌کند که پیرو دستور رئیس قوه قضائیه درخصوص ارائه سازوکار جلوگیری از سقط‌جنین غیرمجاز، جلساتی با نمایندگان وزارت بهداشت، دادستانی و... برگزار کرده است و نهایتاً به این گزارش رسیده است. بخش‌هایی از این گزارش، به صورت حیرت‌آوری در راستای اهداف دشمنان اسلام و انقلاب می‌باشد؛ از این رو نقد و بررسی آن واجب می‌نماید. در ۶ بخش، به نقد محتوای این گزارش می‌پردازیم.

۶ نکته پیرامون گزارش عجیب «سقط جنین غیرقانونی»

در سازمان پزشکی قانونی چه خبر است؟!

حسین مروتی

۱.مفید دانستن در دسترس بودن ابزار سقط‌جنین غیرقانونی!

در صفحه چهارم از این گزارش می‌خوانیم: «با عنایت به آنکه اکثر موارد سقط، خودخواسته است و در بسیاری موارد، مباشر سقط خود مادر است، اعمال اقدامات قهری نمی‌تواند منجر به کاهش آمار سقط گردد و فقط منجر به زندانی شدن زنان و افزایش تعداد زندانیان خواهد شد. ضمنا تجربه قانون‌گذاری درخصوص مواد مخدر نشان داده است که تا زمانی که علل زمینه‌ای مرتفع نگردد، انجام اقدامات قهری و تشدید مجازات‌ها، منجر به کاهش جرم نخواهد شد.»

در این بخش با مغالطه تعمیم جزء به کل مواجه هستیم. این ادعا مطرح می‌شود که چون نمی‌شود با خود مادر که مباشر قتل جنین بوده است برخورد قانونی کرد، کلا اقدامات قهری و تشدید مجازات جواب نمی‌دهد. اما پر واضح است زنی که مرتکب جنایت قتل جنین می‌شود، تنها یکی از مجرمان این مسئله است. به نظر می‌رسد علت استفاده از این مغالطه، این تصور باشد که اگر مجازات‌ها تشدید شود و مثلا جلوی توزیع بی‌ضابطه اقلام القاکننده سقط‌جنین گرفته شود و با پزشک، ماما و پرستاری که اقدام به این جنایت می‌کند برخورد شود، دسترسی زنان به خدمت سقط‌جنین! کم شده، نهایتاً نیز همین مسئله سبب می‌شود که به روش‌های غیر ایمن متوسل شوند و سلامتشان در معرض خطر قرار گیرد!

این دغدغه رسما در هشتمین نتیجه و ششمین پیشنهاد این گزارش، مطرح شده است: «سهولت دسترسی به داروهای موجد سقط از سویی باعث ایمن بودن سقط و کاهش عوارض مادری ناشی از سقط می‌شود ولی از سوی دیگر سبب تصمیم‌گیری سریع برای انجام سقط می‌گردد» «...از طرفی اگر داروهای ایمن موجد سقط نیز در دسترس نباشد، ترکیب این دو رویکرد منجر به استفاده از روش‌های غیرایمن سقط و مرگ مادر باردار و جنین خواهد گردید.»

یعنی آقای مسجدی که در قوه قضائیه مامور شده‌اند، چاره‌ای برای کاهش سقط‌جنین غیرقانونی بیندیشند، برای در دسترس بودن غیرقانونی ابزار این جنایت، فایده قائل هستند و این فایده را هم دو بار متذکر شده‌اند!

حال اگر فرضاً پس از برخورد قانونی با عوامل این جنایت، در بدترین حالت، آمار پنج نفر مرگ و میر سالانه زنان بر اثر سقط‌جنین جنایی که در همین گزارش عنوان شده، به ۵۰ نفر برسد و در عوض هزاران مادر از ارتکاب به این جنایت منصرف شوند، چه باید کرد؟ آیا واقعا جان تعداد اندکی از این زنان که اقدام به جنایت قتل جنین کرده‌اند، ارزشمندتر از هزاران انسان بی‌گناه است که پیکر نحیفشان در سه ماهه اول بارداری راهی سطل زباله می‌شود و یا در سه ماهه دوم، در بدن مادر نامهربانشان، قطعه قطعه می‌شوند؟!

ضمنا آیا قوه قضائیه در قبال همه جرائم، به بهانه اینکه باید با کار فرهنگی علل زمینه‌ای جرم را مرتفع کرد، قید اقدام قهری را می‌زند؟ مثلاً در قبال فساد مالی می‌روند و به «ریشه روانشناختی و آثار حوادث ایام کودکی بر ارتکاب جرائم مالی» می‌پردازند و یا وظیفه خودشان را انجام داده و سهم خویش را ایفا می‌کنند؟! بماند که یکی از علل زمینه‌ای مهم ارتکاب قتل جنین، همین سهل‌الوصول بودن ابزار و مقدمات آن است که سبب شده قبح این جنایت در سطح جامعه کمرنگ شود.

۲. این همه آمار و باز هم توصیه به مطالعه جدید؟!

نخستین پیشنهادی که در این گزارش عنوان شده، انجام یک سری اقدامات برای رسیدن به آمار واقعی سقط‌جنین است. مثلا عنوان شده که باید در این زمینه مطالعه صورت بگیرد.

اما آیا واقعا آقای مسجدی نمی‌داند که تاکنون در کشور چندین و چند مطالعه برای تخمین آمار سقط‌جنین به انجام رسیده است؟ به نظر می‌رسد اینکه وی برای به دست آوردن مطالعات سقط‌جنین به معاونت‌های وزارت بهداشت رجوع کرده و نهایتاً نیز چیزی دستگیرش نشده، در بهترین حالت نشان‌دهنده کم توجهی وی نسبت به ماجرای سقط‌جنین است. دکتر مسجدی اگر نمی‌دانسته باید بداند که ملک افضلی در سال ۱۳۷۴، مرتجی در سال ۱۳۸۴، عرفانی در سال ۱۳۸۷، حق دوست در سال ۱۳۹۲ و متقی در همین سال، دستگیری در سال ۱۳۹۶ و... در مطالعات خود به تخمین سقط‌جنین غیرقانونی در ایران پرداخته‌اند که تعدادی در بازه ۷۳ تا ۳۰۰ هزار مورد در سال را نشان داده است. وزارت بهداشت همچنین مورخ ۱۳۹۵/۸/۲۴ در پاسخ به نامه سرگشاده گروهی از پزشکان، رسما عنوان کرد: «بر اساس بررسی‌های انجام شده بر مبنای مدل‌های ریاضی برآورد می‌شود که سالیانه حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار سقط در کشور (قانونی و غیرقانونی) رخ می‌دهد» پس عدم وجود آمار قابل اتکا، منتفی است و علت عدم همکاری وزارت بهداشت در ارائه آمار مربوطه را باید در جای دیگری جست.

۳. مطب محل جنایت سقط غیرقانونی تخلف خود را گزارش می‌دهد؟

اقدام دیگری که دکتر مسجدی به عنوان پیشنهاد برای رسیدن به آمار واقعی سقط‌جنین مطرح کرده از این قرار است: «فعال کردن سامانه‌های ثبت موارد سقط ارجاع شده به بیمارستان و تلفیق داده‌های سامانه‌های مختلفی که اطلاعات مربوط به سقط را پشتیبانی می‌کنند. چون اغلب موارد سقط به مراکز درمانی مراجعه نمی‌کنند، لازم است فرآیندی پایه‌گذاری شود تا افرادی که با علائم سقط یا جهت انجام سقط به مطب‌ها مراجعه می‌کنند در صورت لزوم، بستری و به بیمارستان ارجاع و گزارش شوند و در مواردی که نیاز به بستری ندارند، فقط به مراکز مشخص بیمارستانی گزارش شوند.»

این بخش اگرچه مبهم نوشته شده است ولی مشخصا مربوط به موارد سقط‌جنین جنایی است، زیرا آمار سقط‌جنین‌های قانونی به صورت کامل در دسترس است و به عنوان نمونه طبق اعلام رسمی سازمان پزشکی قانونی کشور در سال ۱۳۹۵، ۱۲ هزار و ۲۸۱ متقاضی سقط‌جنین درمانی به مراکز پزشکی قانونی کشور مراجعه کرده‌اند که برای هشت هزار و ۵۳۷ نفر از ایشان مجوز سقط درمانی صادر شده است. به بیانی در این بند پیشنهاد می‌شود که اگر کسی خواست در یک مطب به انجام سقط غیرقانونی بپردازد، مطب مزبور باید مورد سقط جنایی را گزارش کند. یعنی زنی که می‌خواهد جنینش را به قتل برساند به مطب رجوع می‌کند و پزشک، ماما یا پرستاری که در مطب نشسته به وزارت بهداشت گزارش می‌دهد که در جریان باشید که من می‌خواهم این جنایت را انجام دهم! وگرنه برای سقط‌جنین قانونی که نیازی به «پایه‌گذاری فرآیندی برای بستری شدن جهت انجام سقط‌جنین» نیست؛ زیرا این فرآیند هم‌اکنون موجود است. به نظر می‌رسد این پیشنهاد عجیب، همان رسمیت یافتن قتل دلبخواهی جنین است و اگر هم کسی بخواهد با توجیهاتی بگوید که اینگونه نیست، ناچار باید بپذیرد که یک زمینه‌چینی بسیار مهم در این مسیر صورت گرفته است.

۴. محدودیت مصرف داروهای پیشگیری مانع سقط‌جنین نمی‌شود

ششمین پیشنهاد دکتر مسجدی از این قرار است: «خودداری از اعمال محدودیت در مصرف داروهای پیشگیری از بارداری در مورد کسانی که تمایلی به فرزندآوری ندارند، زیرا عدم امکان مصرف این داروها منجر به بروز بارداری‌های برنامه‌ریزی نشده و ناخواسته شده که نهایتا منجر به سقط خواهد شد.»

حال بر اساس این ادعا، چند سؤال مطرح می‌شود.

آیا در دو- سه دهه اخیر که پوشش وسایل و شیوه‌های ضدبارداری رو به افزایش بوده است، از آمار سقط‌جنین کاسته شده است؟

پاسخ این است که نه تنها کاهش پیدا نکرده، بلکه افزایش نیز یافته است. یعنی در فاصله سال ۱۳۷۴ که ملک افضلی تعداد سالانه سقط‌جنین را ۸۰ هزار مورد تخمین زد، تا سال ۱۳۹۲ که حق‌دوست تعداد سالانه سقط‌های غیرقانونی را بین ۱۹۸ هزار تا ۲۶۰ هزار مورد برآورد کرد، تقریباً ده درصد به پوشش تنظیم خانواده (Contraceptive Prevalence Rate) اضافه هم شده است. البته این مسئله نه فقط در ایران، بلکه در بسیاری از کشورهای دنیا نیز تکرار شده و همزمان با افزایش پوشش شیوه‌های ضدبارداری، آمار سقط‌جنین جنایی چندین برابر شده که عمده دلیل آن نیز، ضمائم فرهنگی تنظیم خانواده است.

پرسش دیگر اینکه آیا اساسا تاکنون در کشور برای استفاده از شیوه‌های جلوگیری از بارداری محدودیتی وضع شده است؟

در پاسخ باید گفت که تاکنون هیچ محدودیتی اعمال نشده و تنها کاری که آن هم به صورت ناقص و سال‌ها بعد از رهنمودهای رهبر معظم انقلاب در این موضوع صورت گرفته، این است که مراکز و خانه‌های بهداشت، ارائه رایگان شیوه‌های ممانعت از بارداری را متوقف کرده‌اند. حال آیا حذف توزیع رایگان این وسایل، ایجاد محدودیت است؟! مثلا آیا عدم توزیع ماسک رایگان توسط وزارت بهداشت، را می‌توان به ایجاد محدودیت در مصرف ماسک تعبیر کرد که باعث افزایش شیوع کرونا می‌شود؟! مشخصاً افرادی که خواهان فرزند نباشند، هم اکنون به انواع این وسایل و شیوه‌ها دسترسی دارند و البته خود، هزینه آن را خواهند پرداخت.

ممکن است این بحث مطرح شود که اگر شیوه‌های ضدبارداری به صورت رایگان در اختیار مستمندان قرار نگیرد، فقر، بازتولید خواهد شد. در پاسخ باید گفت راه‌حل مقابله با فقر، انقراض نسل فقرا نیست و تاکنون نیز این شیوه توفیقی در رفع فقر نداشته است. دولت‌ها باید مردم مستضعف را توانمند کرده، یقین کنند که فهم این اقشار برای تصمیم‌گیری، کمتر از مدیران لیبرال نیست.

یک بار و برای همیشه باید بساط خانه‌های بهداشتی که در روستاها، تا سقف آمپول‌های خطرناک ضدبارداری چیده اند، اما از امکانات اولیه بهداشت و سلامت بی‌بهره هستند، جمع شود.

۵. آموزش به نوجوانان عامل کاهش یا افزایش سقط‌جنین؟

پیشنهاد هفتم دکتر مسجدی را ملاحظه کنیم: «آموزش سلامت جنسی به نوجوانان به منظور احتراز از برقراری روابط جنسی خارج از رابطه زوجیت و آشنایی با عوارض ناشی از آن.»

در این مورد نیز باید متذکر شد که آموزش احتراز از رابطه جنسی حرام، همان آموزش تقوا است که متولیان خودش را دارد و به احتمال زیاد دکتر مسجدی نخستین فردی باشد که به آموزش رابطه جنسی نداشتن، آموزش سلامت جنسی گفته است! آموزش سلامت جنسی (Sexual Health Education) همان آموزشی است که مانع بارداری در دختران نوجوان و مانع بیماری مقاربتی می‌شود و هدف آن رسیدن به رابطه جنسی ایمن (Safe Sex) است. حال آیا همین آموزش‌ها برای نیل به هدف کاستن از موارد بارداری دختران نوجوان موفق بوده‌اند؟

پاسخ به این سؤال، مفصل و چالش برانگیز است، ولی قدر متیقن مسئله این است که با وجود آموزش سلامت جنسی در قالب آموزش جامع جنسی (Comprehensive Sexuality Education)، دولت‌های غربی سالانه میلیاردها دلار به دلیل آسیب‌های ناشی از بارداری و بیماری‌های مقاربتی نوجوانان متضرر می‌شوند. مشخصاً این آموزش‌ها در بافت فرهنگی ایران، آسیب زاتر بوده و از طریق بهداشتی کردن روابط نامشروع، منجر به افزایش شیوع این روابط می‌شود. افزایش شیوع این روابط نیز بالطبع به موارد بیشتر شکست در استفاده از شیوه‌های ضدبارداری انجامیده و بارداری‌های نامشروع را افزایش خواهد داد. در واقع اگر از نگاه مکانیکی به این مسئله اجتماعی فاصله بگیریم، خواهیم فهمید که این آموزش‌ها می‌توانند در بلندمدت به نقض غرض کشیده و باعث افزایش موارد سقط‌جنین ناشی از روابط نامشروع گردند.

گذشته از مباحث تئوریک، این سؤال مطرح است که چرا و با چه استدلالی رئیس‌سازمان پزشکی قانونی کشور، پس از تاکیدات مکرر رهبر معظم انقلاب، پیشنهاد آموزش جنسی به نوجوانان و پیشبرد اهداف سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ را مطرح نموده است؟!

بله اصل ماجرا از این قرار است که افرادی در مدیریت‌های میانی وزارت بهداشت، به دنبال پیاده کردن سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ هستند و برای رسیدن به هدفشان، از افراد مستعد که در نهادهای مختلف حضور دارند، استفاده کرده و به هر بهانه‌ای آموزش جنسی را توجیه می‌کنند؛ به هر بهانه، حتی سقط‌جنین.

۶. رسمیت بخشی به بارداری‌های نامشروع با تعیین تکلیف در سیستم قانون‌گذاری؟!

یازدهمین پیشنهاد دکتر مسجدی را از نظر بگذرانیم: «تعیین تکلیف... بارداری‌های نامشروع در سیستم قانون‌گذاری، نظام سلامت و سیستم تامین اجتماعی به نحوی که تمایل به حفظ این بارداری‌ها را در مادر تقویت کند».

این جمله حیرت‌انگیز، انسان را با این پرسش اساسی مواجه می‌کند: چگونه از طریق قانون می‌توان بارداری‌های نامشروع را تعیین تکلیف کرد که نهایتاً منجر به تمایل بیشتر مادران برای حفظ بارداری شود؟! آیا جز از طریق رسمیت بخشی به زنازادگی چنین امری مقدور است؟

برای اجتناب از اطاله کلام، انتقادات دیگر نسبت به این گزارش شرم‌آور را کنار می‌گذاریم و مثلاً از این مسئله عبور می‌کنیم که در این گزارش به راهکار مهم «آگاه ساختن مردم نسبت به آسیب‌های جسمی، روحی و روانی انجام سقط‌جنین جنایی» توجه نشده، در حالی که برای کاهش این معضل، پیشنهاد «احداث مهدکودک‌های استاندارد با هزینه کم برای زنان شاغل» مطرح شده است!

متن گزارش مزبور، آمیخته‌ای رندانه از حق و باطل است و تهیه‌کننده آن، یا بازیچه دشمنان این مملکت است و یا همدست آنها. به هر حال لازم است که قوه قضائیه پاسخگوی این رخداد باشد و مانع از آن شود که دلسوزی و دغدغه‌مندی آیت‌الله رئیسی، دستاویز سوءاستفاده غرض‌ورزان گردد.

اقدامات ضد جمعیّتی دولت در وام ازدواج ۱۴۰۰

بهزاد خلیلی

در سال‌های اخیر روند تعداد ازدواج‌های ایران کاهشی بوده است. جمعیّت افراد مجرّد کشور که در آستانه ازدواج قرار دارند نیز بسیار بالاست. این موارد بیان می‌کنند میزان باروری کشور در آینده بحرانی‌تر خواهد شد.

چندسالی است که دولت برای حمایت از ازدواج جوانان، به آنها وام قرض‌الحسنه پرداخت می‌کند. لذا در این یادداشت بنا داریم لایحه بودجه ۱۴۰۰ را بررسی کنیم تا مشخص شود دولت دوازدهم برای پرداخت وام قرض‌الحسنه ازدواج جوانان در سال بعد چه سیاستی اتخاذ کرده است؟

در بند الف تبصره۱۶ لایحه بودجه ۱۴۰۰آمده است: «به منظور حمایت از ازدواج جوانان، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظّف است از محل پس‌انداز و جاری قرض‌الحسنه نظام بانکی، تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج به زوج‌هایی که تاریخ عقد ازدواج آنها بعد از مورّخ ۱۳۹۷/۱/۱ می‌باشد و تاکنون وام ازدواج دریافت نکرده‌اند با اولوّیت نخست پرداخت کند. تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج برای هر یک از زوج‌ها در سال ۱۴۰۰ پانصد میلیون (۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال با دوره بازپرداخت هفت‌ساله با اخذ یک ضامن معتبر و سفته است.

شرایط سنّی متقاضیان دریافت وام، حدّاکثر یک ماه پس از ابلاغ این قانون، به پیشنهاد مشترک وزارت ورزش و جوانان و بانک مرکزی تهیّه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد».[1]

در متن فوق سه ایراد عمده وجود دارد که مشروح آنها در ادامه آمده است:

۱- عدم افزایش میزان مبلغ وام ازدواج نسبت به سال گذشته

تنها برنامه تشویقی دولت برای حمایت از ازدواج جوان‌ها وام قرض‌الحسنه ازدواج است. بنابراین لازم است میزان مبلغ و شرایط این وام به‌گونه‌ای باشد که بتواند به‌صورت شایسته مشکلات اقتصادی جوان‌ها را برای شروع زندگی‌شان حل کند. بررسی متن لوایح و قوانین بودجه سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ نشان می‌دهد که در این سال‌ها دولت بر عدم تغییر میزان مبلغ وام ازدواج تأکید داشته، امّا هربار میزان این وام در مجلس و در متن قانون لایحه افزایش یافته است. جدول [۱]

جدول ۱- میزان مبلغ وام ازدواج از سال‌های ۱۳۹۶ تاکنون به تفکیک لایحه و قانون

دولت در متن لایحه بودجه‌ی سال ۱۴۰۰ میزان مبلغ وام ازدواج را ۵۰ میلیون تومان در نظر گرفته که این مبلغ نسبت به قانون بودجه سال ۹۹ هیچ‌گونه افزایشی نداشته است. از طرفی طبق گزارش مرکز آمار ایران، نرخ تورّم نقطه‌ای کشور در آبان سال ۹۹ بیش از ۴۶٪ محاسبه شده است؛ یعنی خانوارهای کشور به طور میانگین ۴۶ درصد بیشتر از آبان ۹۸ برای خرید کالا و خدمات هزینه کرده‌اند.[2] بنابراین با در نظر گرفتن نرخ تورّم لازم است حداقل مبلغ وام ازدواج به ۶۵ الی ۷۰ میلیون تومان افزایش یابد. البته با استناد به خبرهایی که از داخل مجلس به گوش می‌رسد باید گفت نمایندگان مجلس همچون گذشته تصمیم بر افزایش میزان وام ازدواج دارند.

۲- در نظر نگرفتن جرم‌انگاری برای بانک‌های متخلّف

بررسی‌ها نشان می‌دهند در سالیان گذشته بانک‌های عامل نسبت به پرداخت وام ازدواج به‌صورت سلیقه‌ای عمل کرده‌اند[3] و به نص قانون پایبند نبوده‌اند. طلب نمودن چند چک بانکی و درخواست تعداد ضامن بیشتر از آنچه که در متن قانون بودجه آمده است، نمونه‌هایی از اقدامات غیرقانونی بانک‌های عامل در موضوع پرداخت وام ازدواج است. این موضوع واکنش بانک مرکزی را نیز به دنبال داشته است. به‌عنوان مثال در سال ۹۸، بانک مرکزی با ابلاغ چند بخشنامه به بانک‌های عامل، از آنها خواسته بود نسبت به اجرای کامل بند الف تبصره ۱۶ قانون بودجه ۱۳۹۸، اهتمام بورزند، امّا این اقدام گویا اثربخش نبوده است. بنابراین به جهت جلوگیری از اقدام سلیقه‌ای بانک‌ها در پرداخت وام ازدواج به متقاضیان و برخورد با متخلّفان لازم است در بند الف تبصره ۱۶ لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ جرم‌انگاری مناسب و درخور صورت گیرد.

سال	مبلغ وام ازدواج در متن لایحه بودجه	مبلغ وام ازدواج در متن قانون بودجه
۱۳۹۶	۱۰ میلیون تومان	۱۰ میلیون تومان
۱۳۹۷	۱۰ میلیون تومان	۱۵ میلیون تومان
۱۳۹۸	۱۵ میلیون تومان	۳۰ میلیون تومان
۱۳۹۹	۳۰ میلیون تومان	۵۰ میلیون تومان
۱۴۰۰	۵۰ میلیون تومان	-

جدول ۱- میزان مبلغ وام ازدواج از سال‌های ۱۳۹۶ تا کنون به تفکیک لایحه و قانون

۳- محرومیّت ازدواج‌های زیر ۱۸ سال از دریافت وام ازدواج؟

در انتهای بند الف تبصره ۱۶ لایحه بودجه آمده است:

«شرایط سنّی متقاضیان دریافت وام، حدّاکثر یک ماه پس از ابلاغ این قانون، به پیشنهاد مشترک وزارت ورزش و جوانان و بانک مرکزی تهیّه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

این نخستین‌بار است که دولت در متن لایحه بودجه برای پرداخت وام قرض‌الحسنه ازدواج شرط سنّی در نظر گرفته است.

با بررسی سلسله اقدامات و اظهارات مسئولان دولتی در گذشته می‌توان دریافت، ظاهراً دولت با این اقدام قصد دارد پرداخت وام قرض‌الحسنه به ازدواج‌های زیر ۱۸ سال را محدود و ممنوع کند.

این در حالی است که ازدواج‌های زیر ۱۸ سال بیش از ۲۰٪ از کلّ ازدواج‌های کشور را تشکیل می‌دهند و از موفّق‌ترین ازدواج‌ها محسوب می‌شوند، امّا معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری و وزارت ورزش و جوانان دولت تأکید بر حذف این ازدواج‌ها را دارند.

از سال ۱۳۹۲ تاکنون تعداد ازدواج‌های کشور ۳۳٪ کاهش پیدا کرده و روند کاهشی نرخ فرزندآوری همچنان ادامه‌دار است.

همان‌گونه که بند دوّم سیاست‌های کلّی جمعیّت نیز به آن اشاره دارد، رفع موانع ازدواج جوان‌ها می‌تواند روند کاهشی نرخ فرزندآوری در کشور را متوقّف نماید، امّا مجموعه عملکرد دولت آقای روحانی نشان داده است که این دولت قصدی برای حل معضل یاد شده ندارد.

متأسفانه مسئله ازدواج جوان‌ها در دولت یازدهم و دوازدهم دارای اولویت بالایی نبوده و این اهمال به بحرانی‌تر شدن وضعیت شاخص‌های مهمّ جمعیّتی کشور منجر شده است.

۱- متن لایحه بودجه ۱۴۰۰
۲- مرکز آمار ایران
۳- خبرگزاری تسنیم؛ کد خبر: ۲۰۶۷۲۱۳

ابراز محبت کلامی زوجین گنجی ارزشمند در زندگی مشترک

یکی از روش‌های محبت‌ورزی زوجین به یکدیگر در زندگی مشترک، محبت‌ورزی کلامی یا به عبارت دیگر ابراز عشق و محبت با زبان است. در اسلام نیز به این امر مهم تاکید شده است، به طوری که پیامبر مهربانی صلوات‌الله علیه فرمودند: «این سخن مرد به زن که دوستت دارم هیچ‌گاه از قلب زن بیرون نمی‌رود» [وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۰]. در روایتی دیگر امام جعفر صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: «هرگاه کسی را دوست داشتی به او خبر بده، چرا که این کار، دوستی میان شما را استوارتر می‌سازد»[کافی، ج۲، ص۶۴۴].

برخی آقایان تصور می‌کنند اگر هنگام حضور در منزل با دست پر بیایند به خانه یا اینکه اگر نیازمندی‌های خانم خانه همچون خوراک، پوشاک و... را برآورده سازند به معنای این است که به طور اکمل نسبت به همسرشان محبت نموده‌اند و دیگر نیازی به ابراز محبت کلامی نیست؛ جالب است بدانید چه بسیارند خانواده‌هایی که حتی هیچ مشکل مالی هم ندارند ولی از شریک زندگی‌شان محبت لازم را دریافت نمی‌کنند و عملا دچار کمبود عاطفه شده‌اند. این خانواده‌ها تعریفشان از ابراز محبت اشتباه است. به عبارت دیگر چنین زوجینی انجام وظایف روزمره‌شان را همان محبت‌ورزی تلقی می‌کنند و از اهمیت ابراز محبت کلامی غافل شده‌اند. برخی زوجین آن‌قدر ابراز محبت در زندگی‌شان کم‌رنگ شده است که به مرور زمان دچار تردید در مورد دوست داشته شدن از سوی شریک زندگی‌شان می‌شوند و همین تردید می‌تواند زمینه بروز سردی و دوری عاطفی در زندگی مشترک را فراهم سازد و فرایند این پروسه را تسهیل و تسریع نماید. برخی خانم‌ها نیز به اشتباه تصور می‌کنند همین‌که حافظ اموال و آبروی همسرشان هستند، از فرزندان نگهداری می‌کنند و در تربیت آنها همت می‌گمارند به معنای ابراز محبت به همسر است. صد البته در این شکی نیست که هر یک از زوجین اگر کوچک‌ترین کاری برای یکدیگر انجام داده و در جهت آرامش و آسایش یکدیگر قدمی بردارند حتما در پیشگاه خداوند مأجور خواهند بود لکن بحث ابراز محبت مقوله‌ای جداست که می‌بایست برای آن برنامه‌ریزی و اهتمام داشت. هم آقا و هم خانم در زندگی نیاز به دوست داشتن و دوست داشته شدن دارند و به شدت نیازمند هستند که از سوی همسر محترم مورد ابراز دوست داشته شدن (خصوصا به صورت کلامی) قرار گیرند تا کمبودی به لحاظ عاطفی متوجه آنان نگردد. ابراز محبت باید دارای چند شاخصه باشد که شرح ذیل به آن اشاره خواهد شد.

*۱. برای ابراز محبت باید از خلاقیت و ابتکار بهره برد و با رفتار محبت آمیز آن را اثبات نمود.

به خاطر دارم یکی از مراجعانم که به خاطر اختلافات شدید با همسر محترم به بنده مراجعه نموده بودند ادعا می‌کرد که در عین حال که در طول روز سه مرتبه به همسرم می‌گویم دوستت دارم ولی الان کارم به مرز جدایی رسیده است. مشکل این آقا این بود که تصور می‌کرد همین که یک کلمه دوستت دارم را سه بار در روز تکرار کند به معنای آن است که وظیفه‌اش درباره ابراز محبت به همسر را به نحو شایسته به سرانجام رسانده است اما او نمی‌دانست که در مرحله اول برای ابراز محبت باید به زمان و مکان و شرایط روحی همسر و به نوع ادبیات ابراز محبت توجه داشت و از خلاقیت و ابتکار عمل بهره جست. به عبارت دیگر گاهی یک تشکر با محبت از آشپزی خانم می‌تواند منتج به ابراز محبت در ادراک همسر شود یعنی خانم به این نتیجه می‌رسد که همسرم چون این‌قدر من را دوست دارد پس دستپخت من هم اینچنین برای او لذیذ است. در مرحله دوم باید در عمل هم این ابراز محبت کلامی را با رفتار محبت‌آمیز اثبات نمود. اینکه زوجین فقط در زبان ابراز محبت کنند و در مرحله عمل کار دیگری بر خلاف محبت‌ورزی به همسر انجام دهند یعنی در ابراز محبت کلامی صادق نیستند.

*۲. ابراز محبت باید برای رضای خداوند و بدون منت باشد.

برخی زوجین تا زمانی محبت می‌کنند که همسرشان به آنها محبت می‌کند و اگر روزی به هر دلیل همسرش به او محبت نکرد او هم دست از ابراز محبت دست می‌کشد و اگر محبتی کند آن‌قدر منت می‌گذارد که اجر و ثواب آن محبت‌ورزی را نیز زایل می‌نماید. امیرالمومنین علی علیه‌السلام می‌فرمایند: «دوستی و محبت میوه فروتنی است»[غررالحکم، ج۳، ص ۳۲۷، ح ۴۶۱۳]. کسی که به خاطر خدا به همسرش محبت می‌کند می‌تواند به مقام فروتنی دست یابد در غیر این‌صورت اگر دوستی و محبت به شرط دوستی و محبت دیگران باشد دیگر نمی‌تواند میوه فروتنی در سبد زندگی به‌جای گذارد. پس کسی که به خاطر خدا به همسرش محبت می‌کند دیگر منتظر نیست که اول از سوی همسرش محبت دریافت کند بلکه برای رضای خدا، خودش را در میان میدان مسابقه محبت‌ورزی تصور می‌نماید و برای پیروزی در این مسابقه ارزشمند معنوی تلاش می‌کند. ان شاءالله خداوند توفیق بندگی و محبت‌ورزی به خاطر رضای خودش را به همه زوجین عنایت فرماید.

*۳. محبت‌ورزی نیاز به آموزش و مهارت دارد.

اولین مرحله برای یادگیری محبت‌ورزی اعم از کلامی، نوشتاری، دیداری، شنیداری و... محیط خانه و در پرتو تعلیمات پدر و مادر است. هرچقدر والدین در زندگی مشترک بیشتر اهل رعایت محبت و احترام طرفیتی باشند طبعاً فرزندان آنها هم در این زمینه پخته‌تر می‌شوند و این تعلیمات ارزشمند را در زندگی آینده‌شان به کار خواهند گرفت. مرحله بعدی فراگیری مهارت‌های محبت‌ورزی است که هر شخصی می‌بایست به آن توجه داشته باشد و برای آرامش بیشتر خود و همسر و فرزندان لازم است این مهارت‌ها را بیاموزد و به کار گیرد. مطالعه کتاب‌های مهارتی که با فرهنگ دینی‌مان سازگار باشد، حضور در کلاس‌های آموزشی و مهارتی خانواده، گوش دادن به مجموعه‌های آموزشی و مهارتی، دنبال نمودن مطالب آموزشی کانال‌های ارزشی و در عین حال تخصصی و مهارتی در فضای مجازی و... روش‌هایی برای فراگیری این مهارت‌ها می‌باشد.

امید است که زوج‌های محترم با توجه به مقوله ابراز محبت به همسر و اهتمام مضاعف به شاخصه‌های آن بتوانند روزهای شیرین بیشتری را در کنار یکدیگر تجربه کنند و در سایه‌سار این شیرینی و آرامش، زمینه تربیت فرزندانی مهدوی را فراهم نمایند.

محسن پوراحمد خمینی- روانشناس و کارشناس خانواده